

ممکن است زوری نظیره در آینده روسیه بخواد به تری خود را تو گسترش دهد. حال کار این نظر بسیار فرض باشد یا نه همه این احوال نگرانی این کشورها را یکی از اهداف مشخص واشنگتن هادنگنگی کامل دارد یعنی واشنگتن مسلم است تا به هر نحو که می تواند از سطح گمرکی دیواره یک ابرقدرت جلوگیری کند و دیگر به هیچ وجه اجازه ندهد تا در شرق اروپا تا هر نوک ابر قدرت روس رسد که در نتیجه به هیچ وجه نمی خواهد خود نفوذ جدیدی برای روسیه ایجاد کند.

برای این جهت جانب یلسین مورد استقبال قرار نگرفت. مواضع وی در این زمینه با دیپلماسی روسیه و اکثریت احزاب این کشور مشابه است و از آن ها در برابر گسترش ناتو به سوی خاور، ناپستی چیزی در راستای منافع انتظار داشت. البته انگیزه ها و دلایل مشخصی نیز می باشد. این موضوع می شود مثلاً با اینکه یلسین تلاش های بسیاری کرده بود و مافوق... این است ناخوشایند و بی طرف ساخته بود تا سیاست خارجی روسیه را با اهداف و اما چنانی اما این ایالات متحده همسوارانها او طرح گسترش ناتو به سوی شرق را نشانی از بی اعتمادی می داند. به نظر وی قرار است با این تسویه مرزهای سابق جنگ سرد را به سوی شرق متوقف کند بدون اتقاق یا بدقت که در رئیس جمهور روسیه این مسئله تا همین شدید به شخص خود رفتی کرد و در نتیجه بسیار شد ترکز برای مقاومت های روسی کشور روسیه به شکل و شکل و می توانستند به برای این دست ناتو بی نظیر شوروی سابق در افریقا، امریکای مرکزی یعنی خاور نزدیک لغایت هند و تا به این واقعیت که حیثیاتی امریکای روسیه را برای گفتگوهای اشراف و اشراف به کشای گذشته است و نه دخالت های امریکا را در مسائلی مانند قطار و آسیای مرکزی - که مستأکنه نفوذ روس ها بود است. امریکای غیر عراقی تلقی می کنند.

نمونه قبلی مستگیری به سوی شرق: برای جلوگیری از گسترش به سوی شرق که مناسبات بین مسکو و واشنگتن را در مجموع معیوب ساخته است. براین موضوع یلسین که از دید واشنگتن بهترین طرف مذاکره به شمار می آید تصویف نمود. می ایست دست به اعمال متقابل به مثل مستحکم که تمامی آن ها از ماهیتی معیبات برخوردار بودند. هدف مذاکرات طولانی اینها این جهت است که در آن حکومت فرانسه نقش مهمی را ایفاء می کند. برکت نظرات بسیار نزدیک وزیر خارجه روسیه، دیدگاهی دیگرگمانه ها و همکار سابق فرانسوی وی «فردو دوچرته» توانست روی توافقنامه کار کند تا در ۲۷ ماه می در پاریس به تصویب رسید این توافق نامه در مطلوبیات غرب با رشته بی از تسخیرها همراهی شدند که بر آن بودند تا جایی که ممکن باشد بر شادی و پاکبوی بهزیاری اما این قراردادها از نظر محتوای بسیار ضعیف بودند. البته در این قراردادها نظر عضویت روسها را در نهادهای گروگان ناتو از جمله شرکت آنان را در ایجاد یک شورای مشترک پیش بینی می کنند - یعنی از این گره گاه روسها می تواند به لحاظ

شوری در رای زنی ها و کنکاش های انضمام ناتو حضور داشته باشند یا تمام این احوال قرار نیست در تصمیم گیری های اساسی رسد و بیزد در موفقیت های بحرانی با آن ها به عنوان یک عضو ناتو برخورد کنند و قرار نیست بدون آن روسه بتواند با تصمیمی اینها مخالفت ورزد و بدون آن که حتماً نتواند منافع روسیه از جانب آن ها مورد توجه قرار گیرد. همچنین در این قرارداد پیش بینی شده است که در خاک کشورهای جدید عضو ناتو هیچ سرباز «خارجی» نباید مستقر باشد در درجه نخست سطح سلاح های همان های که بر اساس تصمیم دو جانبه امریکا و شوروی سابق در ستاسر و اکثر ۱۹۹۱ کماکان باید در قاره اروپا نایب شوند. اما در این جا نیز ناتو در مواقع بحرانی قادر خواهد شد توان و پتانسیل نظامی خود را در مرکز و شرق اروپا بر اساس نیازهای خودش تجدید سازان کند.

این هم حقیقت است که ایالات متحده گسترش ناتو را بر اساس تشخیص و صلاح دید و رای و نظر خود و برنامه زمان بندی شده خودش به پیش خواهد برد. در نتیجه این امریکاست که تصمیم گرفته است تا در دور نخست فقط لهستان و مجارستان و چک وارد ناتو شوند. کمره چند کشور اروپایی، از جمله فرانسه، ایتالیا، هیزمان ورود رومانی و جمهوری اسلواکی را نیز در خواست کرده بودند - البته باید توجه داشت که کاملاً آگاهانه سربازانم نظرها های امریکا کانی رفت. صرف نظر از واکنش های شخصی یلسین، دیپلماسی روسیه از گسترش ناتو ناگوار است زیرا که در این موضوع یک تجربه تاریخی، یک نمونه معیوب به سابقه را پیش چشم خود دارد. البته این بار دیگر ظاهر الحاق خاک لهستان، جمهوری های چک و مجارستان مطرح نخواهد بود. اما در بسیاری از کشورهای همسایه مسئله به شکل دیگری است. موقعیت سیاسی و سرزمینی برخی از کشورهای شوروی شوروی سابق که در بخش خاوری اروپا قرار دارند (لبنند، لیتوانی، روسیه سفید، گریزیا و جمهوری منلواوی) به هیچ وجه تثبیت شده به نظر نمی رسد اگر ناتو زوری نخواهد - با پیوستن به لهستان، مجارستان و جمهوری چک به پیمان ناتو خود را دوباره گسترش دهد. در چنین صورتی این ام کشورهای را تحت تاثیر خواهد گرفت که در آن جا بخش روس ها زندگی می کنند و در آن صورت دیگر منافع اساسی روسها را تشکیل می دهد.

این مسئله در موضع گیری های دولت های جمهوری بلژیک خود را نشان می دهد. در ۲۷ ماه می ۱۹۹۷ روسیه درست زوری که قرارداد بین روسیه و ناتو به امضاء رسید. رهبران استند لیتوانی و لیتواوی در حضور رؤسای جمهور لهستان و گریزیا اعلام کردند که آن ها هم می مانند در پیمان آتلانتیک پذیرفته شوند. به احتمال این مسئله ممکن است که استراتژی روسیه را با بزرگترین خطر روبرو خواهد ساخت.



یادداشت ها:

۱. برگرفته از مقاله تحت نام «چینا نامز رقابت» به قلم «بیزارتا بانن» و «ای روس» انتشار یافته در مجله «امیت بین المللی» جاب واشنگتن، زمستان ۱۹۹۶/۲۷.
۲. به مقالت «حاکمیت واشنگتن بر دنیا» به قلم «پاول - ماری دلا گریس» از لجنه دیپلماتیک اروپا ۱۹۹۲ و مقاله به قلم «میگائل کلاز» از لجنه دیپلماتیک اروپا در شماره ۱۹۹۲.
۳. به مقاله «اجتناب از تصمیمی پیچیده امریکا در خلیج فارس» به قلم «پاول - ماری دلا گریس» از لجنه دیپلماتیک مراجعه شود.

۳- بحران صلح در اسرائیل

یوری آوئری

سالها پیش وقتش که «سوید گورین» نخست وزیر اسبق رژیم اسرائیل، ششم خود را دوباره در روزنامه عصر آن کشور بر زبان می شنید اینها را بدین گونه ششام داد بود که: «یکی از آن ها مار است و دیگری خرفانه، البته بدون آن روس نباید کدام این صفتها را به کدام یک از آنان نسبت داده است معروف است که می گویند هر دو آن ها برای رها شدن از تهمت خرق بودند، به نظر منگه بودند «منظورش از مار من بود».

اکنون در مورد پیمان تائیلو نیز وضعیت مشابه است: یک سال و چند روز پیش از حکومت وی، مردم این کشور خود نمی توانست تشخیص دهند که آیا با یک مار طرف هستند و یا با یک افعی ابله و بی مغز، هنوز نتوانسته اند برای خود روشن سازند که با نایفان المسق است یا این که تعالی به صلح نازار فعلاً این معما لا ینحل باقی مانده است.

در جریان این یک سال که رهبر حزب کمونیست موفق شده است مذاکرات صلح را کاملاً متوقف سازد - اگرچه دوباره در مورد «فاز» گفتگو می کنند - اما درباره صلح هیچ حسنی در میان نیست. دوباره تنش ها و آتش تشادها بین فلسطینیان و اسرائیلی ها را نشان داده است و به علاوه وی این کار خودش را با خرمیت به نسبتا دیپلماسی اما عمل اسرائیل را که فقط برای بهبود رابطه خود با جهان این سیاست را اتخاذ کرده بود. تأیید داشته است، بلکه حد متوقف کند این مذاکرات صلح خود با ایالات متحده را نیز به سر می کشد. اکثریت دولت های غربی که در سال های اخیر مناسبات متشنج را با دولت اسرائیل برقرار ساخته بودند، آغاز به باگشت نهادند. حتی در جای جای مصر و اردن که حکومت های آن ها قرارداد صلح با اسرائیل ستانده فریاد های خشم زغری می شنیدند. اینها نشان دهنده این است که اختلاف نظر بین اسرائیل و سایر بهبودیان جهان پدید آمده به ویژه از زمانی که تنش های افراطی از تائیلو تصویب قانونی را در خواست کرد. زمانه که برای کینه های «پشرو»

که اکثریت یهودیان آمریکا عضو این گنجه‌ها می‌باشند کاملاً غیر قابل قبول است.^(۱)

التا نرته نامی این‌ها کافی نبود این بحران در داخل نیز خود حکومت را به کرات لرزاند است. به نحوی که مردم اسرائیل هر روز انتظار یک حادثه مخرب بزرگی می‌کنند. درست مثل تماشاگرانی که به یک فیلم پرداخته می‌شوند.

بزرگی از وزوز ارتعاش دادند و برخی دیگر به محضر دادگاه کشانده شدند تا پاسخگوی اتهامات فساد و رشوه‌خواری باشند و باره بزرگی وزیر بهداشت که علیه وی به دلیل ارتشاء و همدست تحقیقات قضایی آغاز گشته، در مقام این اتهام قرار گرفته که نتایج او را وادار کرده است تا شخص سرور نظر خود هرچی می‌بازد - آن - وکیل سرشناسی را به مقام دادستانی کل برگزیند تا از این طریق سرشناسی فساد و ارتشاء وی و راستی و سبقت نماید. وزیری دیگری را هم در مقام این اتهام قرار گرفته‌اند که پیوندهای خود با مقامی روس را تا به امروز حفظ کرده‌اند.

تقریباً هفتمی همکاران نخست‌وزیر به او نهیم دروغگوی درخشان در ۲۲ ژوئن حزب رزب لیکود در برابر رای عدم اعتماد تنها با اختلاف اندکی نوابست جان سالم به در برد؛ برای برکناری وی تنها پنج رای برگزید آمد.^(۲)

نه نماینده پارلمان از حزب لیکود و حزب «گترو» (لیز) که رهبر آن دودویز بودی و وزیر خارجه پیشین رژیم اسرائیل است در این تیرگی شرکت نکردند تا اعتراض خود را نسبت به حکومت نتایج آن‌ها نشان دهند یکی از رفیسون‌های حکومت اختلاف توضیح داد این بار فقط تحت سرپاوری به نتایج او رای داده است که نسبت به حفظ و تدابیری انتخاباتی که یک سال پیش داده اولین سپاربد^(۳) از یاد ناید برده که همان موقع نیز اکثر ائمه و عدای انتخاباتی کنی بودند.

بنامین نتانیاو بر همه این بحران‌ها با مهارت و موفقیت اقدام کرده و مشکلی را یک کره از دورن نامش حل کرده دید. بدین امید که این برضی‌ها مدتی از آن خبری از کمبود جدید پدید آید. کار سیاسی ناشی می‌شود زمانی که مسئله بر سطح نتایج خود حزبی یا پیروزی مبارزات انتخاباتی در سطح کشور باشد و او کار مبارک است اما از سایر دیدگاه‌ها او اوج است. از سوی دیگر برای سایرین بسیار صمد به نظر می‌رسد که او یک احمق باشد به نظر این گروه تمامی مشاوران وی و به یک طرف خدمت می‌کنند او می‌خواهد منطبق مبارکات را نابود سازد و منطبق اشتعالی (زبور غربه غروب وادرن، شرق بیستالمنطق) را کامکان در اختیار خود نگذارد بدون آن‌که سرشتیلی این سیاست به او نسبت داده بدون شک هر دو این دیدگاه‌ها بخشی از حقیقت را در بر داشته و مکمل یکدیگرند.

با وجود همه این مشکلات به نظر می‌رسد که نتایج نتانیاو تا سپتامبر سال ۲۰۰۰ محکم سر مستند نخست‌وزیری زنده است (البته این امر خود تناقض دیگر نگاه اسرائیل است) بنا بر قانون جدید

نخست‌وزیر با رأی مستقیم مردم بزرگتر می‌شود و هیچ امکانی را برای برکناری وی در نظر نمی‌گیرد. تنها رأی از ۱۲۰ نماینده کبیت (پارلمان اسرائیل) برای برکناری رئیس دولت جدید بستند می‌کنند. اما در چنین صورتی خود به خود پارلمان نیز منحل می‌گردد به سخن دیگر: نمایندگان به انتخاب دوباره خود رأی می‌دهند که به احتمال آموک امکان بزرگتر شدن آنان از جانب مردم زیاد نیست و برای برکناری رئیس دولت بدون انحلال در اوضاع فاجعه و بحران نمی‌قابل تصور است.

در حقیقت اینطور که معلوم است اسرائیل نیز به سیستم دیکتاتوری فدرالی اشاره می‌شود به نظر اپوزیسیون و رسانه‌های گروهی رفتار همکاران نتانیاو منطبق سران مالیا را یادآوری می‌کنند. تنها هدف این احزاب و گروه‌های سیاسی آشکارا جسیپین چهار چنگولی به قدرت و برنده ضمن دوباره دو انتخابات پس به هر قیمت می‌باشد. اما این‌ها چه به نتایج بازمی‌گردند او به تنگک آبرویی که در سال گذشته برای شکست قشوقون پروژه به دست آورد (در آن زمان شیون پروژه با اختلاف سی هزار رأی شکست داد) نیاز خواهد داشت.

دیگوری و تضاد قومی: بزرگتر با وجود این بدبینان گمان می‌کنند که مگر این‌ها یک فاجعه ملی عظیم تقسیم آری را تغییر دهد، زیرا که در این کشور رأی دهندگان اساساً به چیزهای غیر از دیدگاه‌های اقتصادی اجتماعی رأی می‌دهند در حقیقت از این دیدگاه هملج معیار تفاوتی بین دو حزب بزرگ ندارد. در اسرائیل مفاهیم «رست» و «چپ» همان معنا و مفهومی نیست که در اروپا به این‌ها قائل می‌شوند در این‌جا سیاست را تعلقات قومی - گروهی و وابستگی‌های مذهبی تعیین می‌کنند.

در این پدیده تعلقات قومی - گروهی تضاد و تقاضی شدید نهفته است که مانند شگاف نایک از زائله و جامعه از او میان دو نیم کرده است. نیروهای «چپ» پیشتر یهودیان مهاجر اروپای شرقی و مرکزی را متحد ساخته‌اند که از نظر اقتصادی تروموند هستند و از سطح بالای آموزشی نیز برخوردارند و اکثر آیهودیان غیرنژادی و لیبرال می‌باشند و به علاوه اعرابی که نواحی تحت کنترل دولت اسرائیل زندگی می‌کنند. بخش بسیار گسترده‌ای در هسته‌ها را یهودیان مشرق‌زمین تشکیل می‌دهند که اکثر پیشتر از مهاجرت به اسرائیل قربانیان تحمیضات اقتصادی و اجتماعی در چوامع خود بودند. تنها آنچه جبهه راست‌ها مرکز تجمع یهودیان مذهبی تشریح نیز می‌باشد که از رأی دهندگان به احزاب مذهبی ناسیونالیست آغاز و به مهاجرین تشریحی که در نواحی اشتعالی ساکن هستند ختم می‌شوند و همچنین راست‌های افراطی را نیز در بر می‌گیرد.

این هر دو جبهه نسبتاً بیون تقابل می‌مانندند و چه‌جاچه‌جا اندکی در میان آن‌ها صورت می‌گیرد. اگر سیستم انتخاباتی کنونی انتخاب مستقیم نخست‌وزیر (از جانب مردم) در سال ۱۹۹۲ جاری بود اسحاق رابین

بزرگ‌ترین نمرشد فقط تقسیم آری جناح راست - هزاران نفر از رأی دهندگان آری خود را به نفع احزاب افراطی به صندوق‌ها ریخته که بعداً آن احزاب برای کسب کرسی پارلمانی رأی کافی نداشتند. امکان داد تا در آن زمان «چپ‌ها» با تلاش فراوان به اکثریت ضعیف پارلمانی نایل آیند.

در هر دو تضاد صحیح دور می‌توان به تاثیر شدید ماش‌های قومی و به سیاست متعاند شدن در این تظاهرات‌ها به نوبت با یهودیان روس می‌شوید که کلام راهبر سپاه روس و آنتولهای بندک نیز دارند با موهای بافته و روش‌ها و روش‌ها شناخته می‌شوند. در حالی که در جمع‌های «رست‌ها» به گسترگی به چشم می‌خورند.

بدون شک کلبه فقه نخستین معماری واقعیت سیاسی اسرائیل در همین‌جا نهفته است: چرا اپوزیسیون ملی‌گرم‌عاشک‌ها سر در بر حکومت نتانیاو باز هم این چنین ضعیف است؟ یک یهودی ضد عرب شرقی و یک یهودی مذهبی ضعیف متعاند نخست‌وزیر کنونی را از صمیم قلب دوست نداشته‌اند و لیکن او هرگز ممکن نیست به سود حزب کارگر رأی دهد. اما ریسا و کارهای حزب کارگر هم تحمل آن را ندارند که به نقش اپوزیسیون ثابت کند حزب کارگر توانا با قدرت خود گرفته است. طی ۵۰ سال که از عمر دولت اسرائیل می‌گذرد ۳۲٪ آن سال را در حزب کارگر در قدرت بوده است. ۱۵ سال نیز در دورانی که فلسطین تحت سرپرستی انگلیسی‌ها اداره می‌شد جامعه یهودیان را آن‌جا رهبری کرده است.

اکثریت بی‌آلایی از مستولین اقتصاد قنات روزنامه‌نگاران و آموزگاران به بخش غیرمذهبی لیبرال جامعه نقل دارند که از صلاح پشتیبانی می‌کنند بی جهت نیست که بنامین نتانیاو و هوادارانش برای فخرنگان «رسانه‌های گروهی رابین» و همچنین برای دادگامها هیچ سخن دلنشینی ندارند. اگر هم روزی چنین «لطیفی» از این گروه نسبت به نتانگان سر بزند یا به منظور ترساندن آن‌ها از جامعه در حال وقوع می‌باشد و برای تنظیم پیوندهای انتخاباتی است. خلاصه حزب لیبرال آشکارا با بخش لیبرال غیرمذهبی و صالح دوست جامعه دقتی می‌پوشد اما هرگز این دو اجتماع حاضر به همکاری می‌باشند یا خیالاتی با برقی‌ها و سر به هوی‌های در دست‌ها هستند و هرگز به این منظور به خیابان نمی‌آیند. فرق فرقه سنتی تندرو (راشیدیه) قادر است طی چند ساعت هزاران شبه را از یک حوزه مذهبی طرد نماید. هرگز نه برای آن‌ها ختم کرده‌اند و نه برای تأمین معاش خود کار - در حالی که حزب کارگر و دقتش در جناح «چپ» نمی‌تواند تا یک پیار در عرض سال با اینچاه سازماندهی شده بر پا کند.

برای چیده شدن بر این دو مانگی و از میان برداشتن این شکاف اجتماعی - نه تنها ارائه «چپ» ضعیف است بلکه تا دیگر از خود قطع امید کرده است. «چپ» دیگر نه اشتیاق اپوزیولی در دست و حسابی دارد و نه یک

رسالت جهانی و به سمت استراتژی صلح بین‌المللی
و یگانه زمانی که سخن از گفتگوی صلح به میان
می‌آید حزب کارگر تقریباً به پایتویی می‌افتد به گونه
تاریخ از یک دولت فلسطینی امکان که آن را
هلیت کاملاً ناممکن دانست. - که سخن از البته
می‌گوید می‌تواند که هرگز از هدف «همبستگی اسرائیل»
منی دفعه بیاید و همبستگی اسرائیل (روزنامه) است
تجاهد کند و تا آنجا پیش می‌رود که از
ساختن سازی تحریک‌آمیز شهرک «هاروما» در
بخش خاوری «بیت‌المقدس» می‌نیازد می‌کند
در آینه که به چه صورت به عملکردی از صلح
راست دچار شده‌اند (البته ما بنیاداً مخالف نیستیم اما
-

من از این که حزب کارگر سازماندهی دشمن برود
سیروز را از کار بیکار ساخته حال چشم امید خود را به
رهبری اسرائیل بازگه دوخته است.
اسحاق رابین ستاد فرمانده وزیر دفاع و فرمانده کل
نیروهای صلح به عنوان شخصیتی پرآزادی و با پشتکار
منطق است از جانب مخالفتش می‌بی‌دوم اسرائیلی
تاری) نامیده می‌شود استراتژی بر این دیدگاه استوار
است که به هر شکل ممکن که باشد نقطه نظر خاصی
انکار نکند تا روی هدفان جامع فراست را بغیرند زیرا
شماره سازماندهی مردم با پیاده‌نوی و نیروی دریایی
پدیده یگانه می‌است در فاکت استراتژی بر این پایه
استوار است که نتایج هر دو به جهت شادمانی خواهد
پیش از صلح ترسیم شده است.

یک جنبش برآمد صلح بسیار محتاطتر است گروه
فصلح هیواکین» که سابقاً یک جریان گسترده
اربابانی به شمار می‌آمده اکنون عملاً دیگر وجود
ندارد. این که از اسحاق رابین در سال ۱۹۶۳ به
قدرت رسید این جنبش نیز به این نتیجه رسید که دیگر
خطر از پاشن ضرورتی ندارد و هرگز نمی‌تواند این
فشار را بداند می‌آورد که حکومت خود را به تصفیه
نیروی دریایی از این خطر از جانب صلح می‌پسندد
تفاوتی با نیروی دریایی باید دید به چه جهت تا قلمرو
(نوک صلح) که دیگر نمی‌تواند بر ضد سیاست‌های
«رابین» اقدام کند و مقاومت ججاج راست‌ها را نیز
خواستار شود و همواره آن‌ها به خیال بریزند تا سوز
به شیوه‌های نامطلوب تأثیر و نفوذ آنان را محدود ساخت.
در این رابطه بایست از پارویی سازمان‌های کوچک اما
موتور یاد کرد که بر زمینه ارزش‌های اخلاقی محکم
خداوند بی‌اندازه ارزشمندند و در شکل ارائه اسناد
تاریخی‌های داری، شبکه ارتباطات سازمان‌های
زنان و - ارائه دادند البته امروز جنبش از جامه
پهلوانان نیروی سیاسی قابل طرح به شمار نمی‌آید.

حزب یهودین معانی پیچیده موقعیت کنونی است
قرم‌رنگان اسرائیل و مسران زندگی اشتراکیت متعاق
پیشینی می‌کنند. در وقت گفتگوی صلح
-

که امکان در همین زیرست کنونی خود باقی بماند در حالی
که استوار مهاجرنشین‌های جدید در بخش شرقی
بیت‌المقدس و در سایر مناطق اشغالی به پیش برود
می‌شود اسرائیل با موج تازه‌ای از دگرگونی‌های
کشورآسیز یا فلسطینی‌ها روبرو خواهد شد اگر
دقیق تر گفته باشیم این سیاست مورد داخله اختلاف
راست‌ها و راست‌های افراطی به رهبری نتانیاهو است. در
جنبش صورتی دیگر مسئله تنها بر سر یک دگرگونی
سیاست یا فلسطینی‌ها نخواهد بود بلکه هدف جنبش
احتمال جنگ با سوریه که طی آن ممکن است
موشک‌های سنی به روی مناطق اسرائیل شلیک شوند
بسیار خواهد گرفت. برخی از مفسران جنبش چپ‌اناناز
و خشکانی را برای آینده اسرائیل پیش‌بینی می‌کنند.
البته از جانب فلسطینی‌ها و همچنین در دنیای بیرون از
خاور نزدیک جنبش چنین تصویر و خشکانی را بخشی از
ناظران می‌نگری می‌کنند.

در مطبوعات اسرائیل تقریباً هر روز چنین ایتمه
نیزه و تازی را زنده کرده و آن را برای هزاران سوار
یادآوری می‌کنند و اما افکار عمومی چه با کتبی از خود
نشان می‌دهند؟ اصلاً و ابداً هیچ واکنشی نشان
نمی‌دهند مسئله را به گونه‌ای برگزار می‌کنند که گویا
صحت از پیش‌بینی هواسه با دخل و تصرف کوچکی
در سخن «هاراک تواین» درباره هو، می‌توان چنین گفت
همه از یک جنک سخن می‌گویند اما کسی برای
پیش‌گیری از آن کاری نمی‌کند. برخی‌ها نیز بنا بر این
گفته‌اند که ایالات متحده فشار کافی اعمال خواهد کرد
تا از گسترش خشونت جلوگیری کند.

درست است که برخی‌ها اصل را بر این می‌گذارند که
ایالات متحده بایستی فشار کافی اعمال کند تا از
گسترش خشونت تازه دیگری جلوگیری کند اما آقای
کلینتون به اندازه‌ای در رسوایی‌های شخصی خود گرفتار
شده است که برای او قصد یک مقایسه با گروه فشار
یهودین امریکایی دیگر به هیچ‌وجه جالب و سوسه‌انگیز
نیست. به علاوه او یک متعنت رسمی دارد. آن است
که از رود اروپا به خاور نزدیک جلوگیری کند. اگر اروپا
یهودین امریکایی دیگر به هیچ‌وجه جالب و سوسه‌انگیز
نیست. به علاوه او یک متعنت رسمی دارد. آن است
که از رود اروپا به خاور نزدیک جلوگیری کند. اگر اروپا
یهودین امریکایی دیگر به هیچ‌وجه جالب و سوسه‌انگیز
نیست. به علاوه او یک متعنت رسمی دارد. آن است
که از رود اروپا به خاور نزدیک جلوگیری کند. اگر اروپا

اینها از صلح بیش از
جنگ می‌ترسند البته که چنین دیدگاهی برای اسرائیل
بدهی است زیرا که آنان از روز سبک‌نویسی دولت
اسرائیل از سال ۱۹۴۸ پنج جنگ^(۱) را بر ضد مردم عرب
به راه انداخته‌اند تازه جنگ خلیج فارس که در آن برای
تختنبر یا شهرهای اسرائیل موشک باران شدند در
این پنج تا به شمار نیامده است. همه اسرائیلی‌ها
می‌گویند که پیش از تأسیس حکومت اسرائیل
می‌دانستند که چه چیزی در انتظار آنان خواهد بود و
چگونه با پستی یا آن حوادث مقابله نمایند تا سوی دیگر
-

اصماً صلح برای اسرائیل یک پدیده‌ی کاملاً ناشناخته
است هرکس در این سرزمین ختا یک روز هم شاهد
صلح بوده است و از این روز ناشد که یا آن چگونه باید
روبرو شود

«توافق اصولی» چند صحنه همچون رویانی
صلح بر فراز آسمان سرزمین‌های اشغالی طالع کرد این
فصلح عطر گلین و تازه همه از ترس‌ها، غم‌ها،
پیشاورها و - که طی ۱۱۰ سال حضور دیرپای
دگرگونی و در ابعاد تاریخی ۱۱۰ ساله حضور دیرپای
آزادانه بود یکباره زیر سؤال کشید در عین حال
اسرائیلی‌های زیادی هم بودند که در این وضعیت جدید
باز هم نگران آینده خود بودند یک گام اساسی برای صلح
بی‌شک می‌توانست بر این مشکلات، چسبده
مع‌الوصف اسحاق رابین سوزنا عاقلی بود بدون این‌که
آینده‌بین بزرگی باشد و سخن مشهور «لایوه جورج» که
می‌گوید: «هر روز یک گروال با دو گام نمی‌رود بریده
برای او بیگانه بود از این رو تمامی حساب‌ها و
سرمای‌های شکفته دوباره جان گرفتند شاید همین دلیل
باشد که نامیها و نامیها در اشتباه ۱۹۶۹-۱۹۶۸ پیروز
شد مشابه وضعی که فایه نیزه در فراسه از نفرت بیوی
شد خارجی و دشمنی با اضراب بهیودباری کرده است
سیاست‌های جریانات راست افراطی را پیش برد

و این چنین است که نامیهای عجیب و غریب در
این‌جا غرض می‌شود و همه هم در روز دیگری
باعت‌دهنده نامیها و نامیها در اشتباه ۱۹۶۹-۱۹۶۸ پیروز
شد مشابه وضعی که فایه نیزه در فراسه از نفرت بیوی
شد خارجی و دشمنی با اضراب بهیودباری کرده است
سیاست‌های جریانات راست افراطی را پیش برد

و این چنین است که نامیهای عجیب و غریب در
این‌جا غرض می‌شود و همه هم در روز دیگری
باعت‌دهنده نامیها و نامیها در اشتباه ۱۹۶۹-۱۹۶۸ پیروز
شد مشابه وضعی که فایه نیزه در فراسه از نفرت بیوی
شد خارجی و دشمنی با اضراب بهیودباری کرده است
سیاست‌های جریانات راست افراطی را پیش برد

گفتگوی اولویزونی و مقالات روزنامه‌ها توأم می‌گرد
و این چنین است که نامیهای عجیب و غریب در
این‌جا غرض می‌شود و همه هم در روز دیگری
باعت‌دهنده نامیها و نامیها در اشتباه ۱۹۶۹-۱۹۶۸ پیروز
شد مشابه وضعی که فایه نیزه در فراسه از نفرت بیوی
شد خارجی و دشمنی با اضراب بهیودباری کرده است
سیاست‌های جریانات راست افراطی را پیش برد

گفتگوی اولویزونی و مقالات روزنامه‌ها توأم می‌گرد
و این چنین است که نامیهای عجیب و غریب در
این‌جا غرض می‌شود و همه هم در روز دیگری
باعت‌دهنده نامیها و نامیها در اشتباه ۱۹۶۹-۱۹۶۸ پیروز
شد مشابه وضعی که فایه نیزه در فراسه از نفرت بیوی
شد خارجی و دشمنی با اضراب بهیودباری کرده است
سیاست‌های جریانات راست افراطی را پیش برد

گفتگوی اولویزونی و مقالات روزنامه‌ها توأم می‌گرد
و این چنین است که نامیهای عجیب و غریب در
این‌جا غرض می‌شود و همه هم در روز دیگری
باعت‌دهنده نامیها و نامیها در اشتباه ۱۹۶۹-۱۹۶۸ پیروز
شد مشابه وضعی که فایه نیزه در فراسه از نفرت بیوی
شد خارجی و دشمنی با اضراب بهیودباری کرده است
سیاست‌های جریانات راست افراطی را پیش برد

درخواست کرده‌اند در آینده منحصراً آفریقای که بر اساس سن آن‌ها تمویذ شود معتمد است و در نتیجه قوانین مصوبه بر اساس مستحکمی کنیسه‌های «لیبرال» و «مخالفانه کار» باطل است.

۲- در این امر برای ۵۵ نفر از نمایندگان به سود روسیه رأی داده و ۱۵ نفر از نمایندگان در برکهای رأی درخواست برکناری وی را کرده بودند.

۳- در آخرین لحظه فنتایهاو و حزب روس‌ها به رهبری «تاتان چپاریسکی» که جزو اختلاف حکومت است و پشتیبانی وی از نخست‌وزیر مشروط به صرف ۱۵۰ میلیون مارک به سود مهاجرین یهودی روسی است، به توافق رسیدند.

۴- جنگ نخست اعراب اسرائیل (۱۹۴۳-۱۹۴۸) جنگ کاتال ۱۹۵۶، جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷، جنگ اکتبر ۱۹۷۳، و جنگ لبنان ۱۹۸۲.

۵- جنگ فلسطین بین اسرائیل و سازمان صاف در تابستان ۱۹۴۷ در اسلو به توافقنامه پایایی در مورد دولت خودگردان فلسطینی منتهی شد که دو قرارداد در مورد تحقق بخشیدن و معدوم‌های خودگردانی را به دنبال داشت. قرارداد نهمه به نام اسلو ۱ نامیده شد و روز چهارم ۱۹۴۷ و قرارداد «تایپه» به نام اسلو ۲ در ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۷ تصویب شد. به مقاله صلح با پمپ ماسخی «۶» به قلم «دالان گرش» لوموند دیپلماتیک، دسامبر ۱۹۴۵ نگاه کنید.

۶- در جریان انفجار بود پمپ در ۳۰ ژوئن ۱۹۹۷ برخی یهودی‌نشین بی‌تعمیرات ۱۳ نفر کشته شد. میان آن‌ها دو نفر یهودی‌کنار بودند. ۱۵۷ نفر نیز زخمی شدند؛ این یکی از میب‌ترین حملات از زمان حکومت پیمان‌شکنانه می‌باشد. منبع: لوموند دیپلماتیک

۳- نظام دمکراتیک

در خدمت سرمایه‌گذاران

سرگی حلیمی

پندیرایی از سران مافیای در کاخ سفید

از آغاز تاریخ تاکنون سرورش ما انسان‌ها به دست چه کسی رونق داده شده است؟ کاردهانی بورژوا - نیمه ایتالیایی، نیمه فرانسوی - دیکتاتور حاکم بر فرانسه از قلم فهدیه حاکم که مستندی از زبیر از قرون بیستم، نخست‌وزیران روسیه و لیسان، رئیس جمهوری‌های اندونزی و ژرژانتس که در رقصی جلی طلی شرن‌ها از قاره‌ها و رژیم‌های گوناگون با ناهای «مارین» موبوتو، جسر مودرن، خبریه، ژنرال سواروز و جیمز برای هارزمن بر دستان باستانی اتحاد قدرت و ثروت را که در راه اولیادش نامشروع و چپاول شیستاتیک مردم محروم تلبهار شده‌اند روایت می‌کند.

هر چند در دوون ماه فساد و تباهی در بخش دولتی به هزارهای تازیمی دست یافته است مانند ارتش-جهانی (۱) از رفن تفاوت بین «حزب مخالف» در دنیای دمکراتیک، افزایش قدرت مشاورین سیاستمداران در عرصه افکار عمومی - مردان پشت پرده - بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی میلیون‌ها انسان نسبت به زندگی سیاسی جامعه اما ایالات متحده در این زمینه‌ها نمونه بی‌بدیلی است. اهمیت تمامی این مسائل نه به این دلیل است که در آن‌جا «تخلف‌ها» در میزبانی دمکراتیک ممکن است و روشن‌تر از هر جای دیگر نمود پیدا کند و نه به این دلیل است که ایالات متحده در مورد حکومت مردم بر مردم با جرات و گستاخی به نقد رهبری خویش می‌نارد؛ بل به این دلیل است که برزیدت کلینتون در بیستم ژانویه اسنال با بیختر تمام اقتضات خلف خود را (که برای جهان نظم نوینی اعلام داشت) با این کلام قهار تکامل بخشید: «امریکا برای جهان مثنی بی‌چایگین است»

قانون تجارت حقوق بشر نمی‌شناسد: در درجه نخست این «نمونه بی‌بدیلی» هایتی آموزش دارد پس از رسوایی «واترگیت» قاتل‌نگاران امریکا برای دریافت کمک مالی احزاب و هزینه‌های سیاستمداران و همچنین برای انتخابات و تبلیغات آنان حد و مرزی تعیین کردند و تا حدودی به این مسئله شفافیت و روش‌ن‌پیش‌نوی بیخشنیدانی قوانین را در مطبوعات آن زمانی «فولکسین درخشان» نامیده‌اند. سال ۱۹۷۲ به بعد این حد و مرزها بسیار آگاهانه و زیرکانه به کرات در هم شکست شد. اما التزام نسبت به شفافیت از میان سرفته است: سانگلی مقررات برای تأمین مالی انتخابات و هزینه‌های تبلیغاتی آن از یکسوی تضمین‌های شداد و شفافیت اطلاعاتی در مورد محفوظ ماندن منبع درآمد احزاب و چگونگی صرف این سالخ از سوی دیگر، این امکان را می‌دهد تا به سادگی درک کنیم که با این بول‌ها چه می‌کنند، چه چیزهایی را می‌خرند و این سیستم چگونه کار می‌کند.

لوتویو لایکه، یکی از اقتصاددانان امریکایی می‌گوید اقتصاد جهانی، مکانیسمی بسیار حساس و گریانه‌است که بیش‌تر شرکت سرمایه‌گذاران را به جای حضور شهروندان ضروری می‌ماند و همواره آن را ترویج می‌دهد (۲). بر اساس این «اقاعده» گمشده «لویتو» لایکه اقدام آفشارکوری‌ها درباری تأمین مالی مبارزات انتخاباتی امریکا در سال ۱۹۹۶ و روشن‌تر می‌شود از این‌جا می‌توان این برد که جزا سرانجام یک شهردار لیبانی، یک دلایل اسامحه چینی و یکسوی از سران ماخا و دلال سواد مسخدر از ساکتین فلورینا از جانب رئیس‌جمهور هلمت بی‌چایگین جهان، برای جبران «عدها»ی آن‌ها در کاخ سفید مورد استقبال قرار می‌گیرند زیرا که شرکت و حضور سرمایه‌داران بسیار ضروری‌تر از شرکت شهروندان معمولی است. به زمان صافتر: «سرمایه‌داران را در پایداری گور پدر مردم» اخیراً «دیویدرگ تایمز» در معادله تازیمی فرمول

ساده‌تری را ارائه داده است «اقتصاد امریکا بناگاه» جهانی‌تر می‌شود، مانند شرکت‌ها و خارجی‌ها علفه روزافزون نسبت به سیستم امریکا از خود نشان می‌دهند. این امر تمامی فاصله‌های بی‌سیاست‌های داخلی و خارجی را از میان برمی‌دارد و بنابراین امریکا کمک‌کنندگان در رتبه جمهوری امریکا در سراسر جهان بخش ششده (۳) قانون تجارت جایگزین بحث و گفتگوی حقوق شهروندان است. هر چند شمت عمل سرکوب آشکار همچنان به مشاهده است، هر یک ستمر دیکتاتور عمل می‌کند، جهانی شدن اقتصاد نیز دیکتاتور ملایم سرمایه و دمکراتیک را نمایندگی می‌کند این قانون تازیمی حاکم بر جهان ماست!

در حالی که تأثیر سیاست را روی فرزند اعتراضی‌پذیر و «تعلات‌های از میان رفته احزاب» می‌آزمایند احتمال این خطر وجود دارد که حق رأی ناایم دیواره تجدید حیات باید و قانون هزینه انتخابات را کنار بدهد و محدود کند و با هر نوع تبلیغات انتخاباتی را ممنوع سازد یا تا آن‌که از فریب‌گاران خواسته شود تا مشاورین افکار عمومی بر هزینه خود با این‌اصاح درجه ۲۴ که هرگز به آن‌ها دیگر اعتماد لازم را نخواهد داشت جایگزین کنند.

دیواره این موضوع، مقایسه بین کشورهای دمکراتیک بسیار آموخته و آگاهی‌بخش خواهد بود در حالی که در اسرال، ایتالیا و فرانسه هزینه اخراج یا بودجه دولت تأمین می‌کند. انتخابات ریاست جمهوری امریکا مستقیماً از گیس شهروندان تأمین می‌شود بنابراین با توجه به اصل و قاعده‌ی که در بالا توضیح داده شد عملاً هیچ‌گونه محدودیتی برای هزینه انتخاباتی در امریکا وجود ندارد (۴).

در نتیجه این تفاوت بین دو سیستم تأمین هزینه انتخاباتی در کشورهای دمکراتیک یک نماینده در اروپا تقریباً سه هزار مارک هزینه برمی‌دارد در حالی که برای یک کرسی در مرکز امریکا نزدیک به ده برابر این مبلغ باید هزینه کرد و مستند یک ستاوتو چندین برابر عضو کنگره قیمت دارد انتخابات ریاست جمهوری کنگره و ستا و شهرداری‌ها در سال ۱۹۹۶، در مجموع چهار میلیارد دلار هزینه در بر داشت. فقط انتخابات ریاست جمهوری به تنهایی ۸۰۰ میلیون دلار مبلغ یعنی دو برابر میزان ۱۹۹۲ که در مجموع صد نفر است. انتخابات سال ۱۹۹۲ در کل بران تر از انتخابات سال ۱۹۸۸ ریاست جمهوری بوده است؛ در سال ۱۹۹۶ ۷۸٪ آن‌تر از ستاوتوها، در مجموع صد نفر است. بیش از یک میلیون دلار تروت داشتند و در دو ایالت (کالیفرنیا و لوکون) عملاً دو میلیون در برابر یکدیگر به سازده انتخاباتی برداشتند که از جانب دمکرات‌ها و نامری از حزب جمهوریخواهان صد کفتمتی است. در یکی مسائل مانع از آن شد تا «مگستروف» رنده حزب جمهوریخواهان با تأکید ادنا کند «هیج ترفقی نمی‌کند» (پیل گیت) می‌لبارد و تروندترین فرد امریکا با یک میلیارد دلار بیشتر هر کلمه از ضما حق لارند می‌ری